



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه بیست و چهارم مهر ۱۳۰۵ مطابق نهم شهر ۱۳۴۵ ربیع الثانی ۱۳۴۵

جلسه ۱۸

مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل و صورت مجلس یوم سه شنبه نوزدهم مهرماه قرائت و تصویب شد. غائبین با اجازه - آقایان : حاج آقا اسمعیل عراقی - علی خان اعظمی - سیرزا هاشم آشتیانی. معتمد - آقا سید زین العابدین فوسنی - سیرزا ابراهیم خان قوام - محمد هاشم

میرزا افسر - میرزا حسن آقا آقازاده سیزواری - غلامحسین میرزا سعود - مدرس .

دیرآهنگان بی اجازه - آقایان: میرزا سید مهدی خان فاطمی - میرزا عبدالباقی جمشیدی مازندرانی - شریعت زاده آقا رضا مهدوی - داور آقای حاج آقا رضا رفیع شرحی مشعر بلزوم جلوگیری از فساد اخلاق در جامعه و اظهار استناب از مندرجات روزنامه کوشش در تعقیب این موضوع تقریر و نیز مختصری راجع به خسارات وارده با اهالی گیلان از کثرت بارندگی و مزاحمت از ماسورین وزارت مالیه نسبت با اهالی اظهار و تقاضا نمودند دولت در این خصوص توجهی نموده و سوجبات آسایش اهالی را فراهم نمایند.

آقای دادگر نیز راجع بشکایات واصله در خصوص راه بندرجز و دامغان و لزوم تأدیة مخارج تسطیح راه سزبور از طرف دولت بصاحب استیاز و آقای روحی راجع بشکایات صنف کوره بز کرمان از اخذ مالیات از سنگ و گچ باستناد تصویب نامه دولت و عدم صلاحیت دولت برای وضع مالیات و آقای فیروزآبادی راجع به تکذیب مندرجات بعضی از جرائد در تعداد ایشان جزء مخالفین با پروگرام دولت و آقای حیدری راجع بلزوم توجه دولت و نمایندگان محترم بساوجبلاغ مکرری و سندوز و تخصیص مبلغی از پنجاه هزار تومان اضافه اعتبار معارف آذربایجان برای تأسیس مدارس در آن نقاط و آقای زوار در خصوص لزوم توسعه معارف در مملکت و توجه باوضاع اقتصادی و جلوگیری از خسارات وارده به تجار و بالاخره از زحمات و خدمات اعضاء و مستخدمین وزارت پست و تلگراف هریک شرحی تقریر پس از آن سراسله از طرف وزارت مالیه به ضمیمه سواد مراسله بانک شاهنشاهی بوزارت مالیه در خصوص تعهد بانک سزبور در عدم تصرف و توقیف و تحدید وجوه انحصاری قند و شکر و جای در مقابل محاسبات یا دعوی قرائت و آقای وزیر مالیه در مقابل بیانات آقایان حاج آقا رضا رفیع، دادگر، روحی و حیدری شرحی مشعر به موافقت دولت با موضوعات سزبوره و اعمال اقدامات لازمه از طرف دولت اظهار و پنج فقره لایحه اول راجع بمنع خروج طلا و نقره از مملکت و دوم راجع بتقاضای اعتبار دودوازدهم بودجه مملکتی برای مخارج مهرماه و آبان و سوم راجع به عوائد و تسهیل تجارت روده و دو فقره راجع به برقراری حقوق تقدیم و نسبت بدو فقره اول و دوم تقاضا نمودند بفریت فی المجلس مطرح شود .

آقای وزیر پست و تلگراف نیز لایحه راجع با استخدام سیو ژاسار بلژیکی برای وزارت پست و تلگراف به مجلس تقدیم و بکمیسیون خارجه و پست و تلگراف و بودجه ارجاع گردید .

لایحه تقدیمی وزارت مالیه راجع به منع خروج طلا و نقره مطرح و در فوریت اول آقای فرمند مختصری مشعر به مخالفت و آقای روحی سببی بموافقت تقریر و بالاخره نسبت بفریت اول و دوم جداگانه اخذ رأی شده تصویب گردید .

ماده واحده قرائت و آقای آقا سید یعقوب با ذکر کلمه ابلاغ و نظامنامه مخالف بوده و آقای وزیر مالیه اظهار مینمودند مقصود از کلمه ابلاغ از طرف دولت است و نظامنامه هم البته برطبق قانون تدوین خواهد شد . آقای شیروانی بر ما تعیین مجازات در

نظامنامه مخالف بوده و عقیده شان این بود مسائل لازمه در قانون پیش بینی شود آقای یاسائی موافق بوده و اظهار مینمودند تمام جزئیات مطلب را در قانون نمی توان پیش بینی نمود و بعلاوه با فوریت این قانون منافات خواهد داشت .

آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد نمودند بعد از کلمه (ابلاغ) عبارت (در مجلس) اضافه شود .

آقای وزیر مالیه کلمه ابلاغ را مسترد نموده و آقایان فیروز آبادی، ارباب کیخسرو، احتشام زاده، حق نویس و آقا سید یعقوب هر یک اصلاحی پیشنهاد نموده هیچیک تصویب نشد .

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید .

آقای رئیس اظهار نمودند و لایحه که راجع به برقراری حقوق از طرف وزارت مالیه تقدیم شد بکمیسیون بودجه و لایحه راجع بعوائد روده بکمیسیون قوانین مالیه و بودجه ارجاع خواهد شد .

آقای وزیر فوائد عامه چند فقره لایحه راجع با استخدام متخصصین برای راه آهن و ذوب آهن و معدن نفت و اتوبوس رانی در شهر طهران به مجلس تقدیم و لایحه راجع باتوبوس رانی بکمیسیون خارجه و فوائد عامه و بودجه ارجاع شد .

آقای وزیر مالیه ماده واحده راجع بمبلغ خروج طلا و نقره را در تحت سه ماده تقدیم و ماده واحده سزبوره را مسترد نموده و نسبت بماده اول و دوم چون مخالفی نبود جداگانه اخذ رأی شده تصویب گردید . در ماده سوم آقای یاسائی قید مدت ۲۰ روز را موجب تأخیر اجراء قانون دانسته و آقای وزیر مالیه اظهار می نمودند مدت بیست روز مربوط با اجراء قانون نبوده و راجع بمجازات متخلفین است و بدیهی است برای اطلاع اشخاص مدتی لازم است .

آقایان ضیاء و میرزا ایدالله خان هریک اصلاحی پیشنهاد نموده و پس از قدری مذاکره آقای میرزا ایدالله خان پیشنهاد خود را مسترد و نسبت به پیشنهاد آقای ضیاء رأی گرفته تصویب نشد و بعد نسبت بماده سوم اخذ رأی شده تصویب گردید .

در ضمن شور کلی آقای فرمند شرحی مشعر بمخالفت اظهار و بالاخره نسبت بجمع هر سه ماده رأی گرفته تصویب شد .

راپورت شعبه اول راجع بقبول نمایندگی آقای ثقة الاسلامی از تبریز قرائت و نظر باینکه مفاد راپورت حاکی از صحت جریان انتخاب تبریز و توابع بود آقای آقا سید یعقوب اظهار مخالفت نموده و تعیین تکلیف آن به جلسه دیگر موکول گردید .

جلسه آتیه بروز سه شنبه ۲۶ مهرماه سه ساعت و نیم قبل از ظهر و دستور آن بقیه دستور همین جلسه مقرر و مجلس تقریباً یکساعت بعد از ظهر ختم شد .

آقا سید یعقوب اظهار نمودند غیبت آقای مدرس با اجازه بوده . آقای رئیس فرمودند آقای مدرس اطلاع نداده اند بعد از اطلاع غیبت ایشان بر طبق اجازه که خواسته اند منظور خواهد شد دیگر مخالفی نبود و صورت مجلس تصویب شد ۲۶ مهرماه/ه

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین
منشی - سید ابراهیم ضیاء ، منشی - میرزا حسین خان موقر

صورت مشروح مجلس یکشنبه بیست و چهارم مهرماه ۱۳۰۵ مطابق نهم ربیع اشانی ۱۳۴۵

مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر ریاست آقای تدین تشکیل گردید .

صورت مجلس سه شنبه ۱۹ مهرماه را آقای آقا سید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند .

رئیس - آقای رفیع . (اجازه) .

حاج آقا رضا رفیع - قبل از دستور .

رئیس - آقای دادگر .

دادگر - قبل از دستور .

رئیس - آقای روحی .

روحی - بنده هم قبل از دستور .

رئیس - آقای فیروزآبادی .

فیروزآبادی - عرضم قبل از دستور است .

رئیس - آقای حیدری .

حیدری - قبل از دستور .

رئیس - آقای زوار . (اجازه)

زوار - قبل از دستور .

رئیس - آقای شیروانی . (اجازه)

شیروانی - قبل از دستور .

رئیس - آقای نوبخت . (اجازه)

نوبخت - قبل از دستور .

رئیس - نسبت بصورت مجلس گویا معارضی نیست، صورت مجلس تصویب شد. آقای رفیع. (اجازه)

حاج آقا رضا رفیع - اولاً تحریرات روزنامه کوشش راجع به فساد اخلاق در این مدت اخیر که بنده مطالعه میکنم و به نظر اغلب آقایان هم رسیده است حق سیداد به بنده که هر وقت مجلس تشکیل شود بنده در سهم خود تشکر کنم، واقعاً مسأله فساد اخلاق در این شهر به اندازه شده است که لازم است همه آقایان ار باب جرائد در این خصوص کمک کنند و این موضوع را تعقیب نمایند، اگر چه شنیده ام در کمیسیون تجدیدنظر در قانون استخدام تاهل اجباری را برای اجزاء ادارات در نظر گرفته اند و امیدواریم منظور ما از این راه بعمل آید. عرض بنده راجع بمصائب وارده بر اهالی گیلانست که اخیراً ماسورین مالیه برای اهالی آنجا اسباب زحمت شده اند، قریب یک ماه است که بارندگی زیادی در آنجا شروع شده است و شاید نصف محصول مردم از بین رفته است و مردم از ماسورین مالیه که در آنجا هستند تظلم میکنند و از مرکز از خود ماسور که اسباب زحمت شده است سؤال میکنند که موضوع چیست و آن ماسور هم تکذیب میکند و میگوید همچو چیزی نیست در صورتی که همچو چیزی هست، بنده استدعا میکنم مخصوصاً آقای وزیر مالیه هم که تشریف دارند در نظر بگیرند که یک ترتیبی بدهند، این مردم را باید نگاهداری کرد، این سردسی که لباس ندارند و لباس آنها فقط تار است و پود ندارد و ریش ریش است با یک

همچو سردسی این طور معامله که شرم آور است در مجلس عرض کنم، سزاوار نیست، روح وزارت مالیه هم اطلاع ندارد که تحصیلدارها این کارها را میکنند، اینهم یک اصلی است در مالیه که از خود ماسور میپرسند که این کار را کرده اینکه نمیشود!! یک محکمه، یک کسی دیگر لازم است که برود ببیند، از خود مقصر کسی سؤال نمیکند!! استدعا میکنم در این باب یک ترجیحی بشود و یک مفتشینی به آنجا بفرستند مشروط بر اینکه از مفتشین ذی الکفل نباشد، خود بنده در بیست سال قبل وقتی بعنات مشرف شدم به قبر ذی الکفل رفتم برای تماشا یک مسجدی بود مابیه النزاع بین یهودیها و مسلمین هرچه مسلمانها میگفتند این مسجد مال ماست، یهودیها میگفتند مال ما است، مسلمانها میگفتند بابا مسجد منار دارد و منار علامت است، مفتش پول میگرفت و میرفت و میگفت مسجد منار ندارد، بالاخره در امثالبول مسلمین داد و فریاد کردند و از باب عالی یک نفر مفتش آمد او هم رفت گفت مسجد منار ندارد، چندین هزار نفر دیده اند مسجد منار دارد ولی ماسورین میگویند ندارد، استدعا میکنم یک چنین مفتشینی نفرستند.

رئیس - آقای دادگر. (اجازه)

دادگر - عرض میکنم یک تلگرافی از بندر جز رسیده بود از آقای یاسائی تقاضا کرده بودند که در مجلس قرائت فرمایند اتفاقاً بنده وقت گرفتم یک سن به الکفایه لازم بود. حالا شروع میکنم موضوعی را که عرض میکنم توجه آقای وزیر مالیه را در این قضیه دقیقاً میخواهم جلب کنم، هنوز آن قیافه موقر سعودالملک به نظر بنده سیاید که سالها در آن ضلع بالای پارلمان نشسته بود، و یک حالت منتظره داشت که اگر یک کاری را شروع میکنند یک سوانع قانونی نداشته باشد و از پارلمان استیذان کرده باشد و تمام تحکیماتی که برای تسهیل یک کاری میخواهد شروع کند کرده باشد و بعد شروع بکار بنماید که برای سملکتش هم نافع باشد، قضیه تعقیب شد و بطوریکه یادم است آقای آقا سید یعقوب مدافعاتی نمودند همه آقایان چه مدافعاتی کردند و بالاخره کامیاب شد یک قرارداد و تصویب نامه از اینجا صادر شد که راه دامغان و بندر جز را بسازد و در آنجا یک شروطی گنجانند که اگر دولت بخواهد بتواند آنجا را بخرد او هم با این شرایط گزنت و رفت اسیدواری هم داشت، سعودالملک هم آدم پولداری نبود، از تجار استقراض کرد، بنده موضوع سختم این است: سعودالملک بتجار گفت من امضای دولت و مجلس هر دورا توماً در دست دارم و برای شما هم بهترین وثیقه همین است میتوانید به آسانی بن پول بدهید و مطمئن باشید که با این تأمین دولت و تأمین مجلس اگر پول بدهید سرمایه شما از بین نمیرود، این حرف را که به مردم گفت مردم هم قانع شدند و پول دادند او هم آمد تلاش کرد، پول گرفت، زحمت کشید، نخواهد، مصارف کرد و راه را ساخت، بالاخره از ماده که در آنجا بود دولت استفاده و اغتنام کرد و خواست راه را خودش بگیرد و

بسازد، شاید هم نظر دولت این بود که چون از سایر راهها پول نمیگیرد این استثنا هم از بین برود، از این قسمت هم نمیخواهم انتقاد کنم. این پیوسرد آنجا مانده تجار هم مانده اند آنجا، هی توسل، هی تلگراف، هی مطالبه میکنند کسی جواب نمیدهد، مفتش می رود و برسیگردد هیچ فائده نمی بخشد و اخیراً یک چیزی نوشته اند که واقعاً بنده را متأثر کرد و بنده هم میخواهم آن تأثر را نقل بدهم به آقایان. مدتهاست در مجلس شورای ملی هی از تأمین قضائی هی از ضمانت اسضای دولت و ضمانت اسضاهای رسمی صحبت میشود ولی عملی نیست، این مسأله بد است، یک سملکتی که بطرف تکامل می رود اول قدسی که باید بردارد حفظ اسضاء و قول است، بنده میخواهم نظر آقای وزیر مالیه را به این مسأله متوجه کنم که باید در اینجا طرف سرعت و اصلاح امر را بیشتر گرفت پول مردم را بدهند که مردم متفرق شوند، چون آمده اند در تلگرافخانه متحصن شده اند و بالاخره نگذارند در روح مردم حلول کند که دولت باقوال خودش کمتر اهمیت میدهد.

رئیس — آقای روحی. (اجازه)

روحی — چندیست که صنف کوره پز کرمان از یک قسم مالیاتی که بی فائده است به توسط بنده قریب یکسال است شکایت میکنند، عرض میکنم این مالیات بموجب تصویب ناسه که به عنوان قانون موثقی معادن است گرفته میشود و آن عبارت از ماده ده آن قانون است تمام مواد این تصویبنامه سوقف الاجراء مانده است فقط از خاک رس و گچ و سنگ بیابان باری سه عباسی و چهار عباسی و یک قران در تمام مملکت بگیرند و من تعجب میکنم از این دولتها که در این ادوار پارلمانی چرا متوجه نبودند که دولت بدون تصویب مجلس حق گرفتن مالیات ندارد. بنده مخالف نیستم که از معادن مالیات گرفته شود، معادن یکی از ثروتهای بزرگ ملی است و باید مالیات بدهند ولی خاک رس هیچگاه معدن نیست، سنگ هیچگاه معدن نیست، اخیراً هم در روزنامه خواندم که خواسته اند در فرستجان خیابانهای شهر را تسطیح کنند مالیه رفته است جلو سنگ رودخانه را گرفته است به عنوان اینکه جزء معادن سطح الارض است و باید باری سه عباسی مالیات بدهید، واقعاً اینها شرم آور است!! در سملکتی که مجلس دارد آنهم با یک همچو دولتی در صورتی که این همه اشخاص و کمپانیها که منابع ثروت ملی سملکت را سیرند به هیچ صیغه یک دینار نمیدهند آنوقت صنف کوره پز یک جا باید مالیات صنفی بدهد یکجا باید از آجرش مالیات بگیرند یکجا هم به عنوان عشور سطح الارض باید مالیات بدهد، چون آقای وزیر مالیه تشریف دارند به ایشان تذکر میدهم که با بودن مجلس شورای ملی، هیچکس اجازه ندارد بموجب تصویبنامه مالیات بگیرد و این ورقه را بنده بهیچوجه به رسمیت نمیشناسم و نگاه میدارم تا ده روز دیگر اگر این مالیات از بین نرود بالاخره مجبورم یا سؤال تند و یا استیضاح کنم.

رئیس — آقای فیروزآبادی. (اجازه)

فیروزآبادی — چندی قبل که کابینه به مجلس معرفی شد و بعد هم پرگرام به مجلس آمد بنده نظریه حسن اعتمادی که به آقای

باید از وحشی گری بیرون بیاییم. گذشته از این آنکه بدرد ما مبتلا است همجوار ما است و آن صاین قلعه افشار است او هم بدرد ما مبتلا است که آقایان عباس میرزا و مقدم هم هستند. استدعا دارم آقایان در این باب یک توجهی بفرمایند که ما هم از این حق مشروع محروم نمایم. دیگر عرضی ندارم.

رئیس — آقای زوار. (اجازه)

زوار — بدو لازم میدانم که تشکرات خودم را به آقایان محترم.

یک نفر از نمایندگان — بلندتر.

زوار — آنوقت نفرمائید چهار دانگ است. بدو تشکرات خودم را تقدیم میدارم با اینکه میدانم در جلسه گذشته بنده کاندیدای فرا کسیون مخصوص و بالاخره کاندیدای منشی گری نبودم و از هیچ کدام از آقایان تقاضائی نکرده بودم آراء خودشان را به بنده مرحمت فرمودند فوق العاده تشکر میکنم و به احساسات پاک آنها سلام میدهم...

یک نفر از نمایندگان — علیک السلام.

زوار — در یکی از جلسات گذشته سرکر نقل فلاکت و بدیختی سملکت و ملت را اختصاراً بهم کاران محترم خود معرفی کردم که نقصان کامل معارف ایجاد این سرکر را کرده و باید با تیشه معرفت بنیاد آنرا خراب و بر روی خرابه های او یک عمارت وسیعی بنام معارف بنا کرد. این یک فکر بدیع و نازه نیست که در کله من تولید شده باشد دنیای متمدن هم با من هم فکر است بنده از منیبات صحبت نمی کنم پیغمبر اکرم که بدین او متدین هستم اطلب العلم من المهدالی اللحد را یگانه دستور درحیات است خود فرموده اند در روزگاری که سایر ملل مطابق این دستور مقدس و در تحت تأثیرات این کلام الملوک بفکر مسافرت به کوه ماه و از اکتشافات سحیر العقول خود آینده را منقلب و اوضاع را دگرگون می سازد ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم و اگر بیش از این به دستور مقدس پیغمبر خودمان بنظر لایقیدی نگاه کنیم بیم آن می رود که رشته حیاتمان طوری گسیخته شود که برای وصل او محتاج به رشته عیسی و موزن سریم باشیم خروشوقتم از اینکه سلطان عظیم الشان معارف پرور سملکت نیز باصل فلاکت ملت خود پی برده و باردیگر با عطیه ملوکانه قلوب ملو از محبت اهالی را بظرف خود جلب و یک صنعه دیگر بر تاریخ معارف پروری خود اضافه و حق مشروع معتنا به خود را بمعارف تخصیص فرمودند طرفداران معارف را لازم است که بوجود یک همچون پادشاه معارف پرور خود افتخار کنند بلی معارف ایران ناقص و کاملاً هم ناقص است باید تشکیل شود زیراحیات مملکت و ملت بسته به تکمیل او است مقصود از تکمیل معارف این نیست که برای اشخاص بی سواد و نالایق در وزارت معارف سیزهائی تهیه و برصندلیهای کنونی اضافه شود خیراشتباه نشود بلکه غرض از توسعه معارف تشکیل مدارس جدید در سرتاسر مملکت حتی در قراء و قصبات و رفع جهالت از توده زارع و رنجبر است بطوری که وزیر محترم معارف هم در یکی از جلسات گذشته بیان فرمودند از بدیهیات اولیه و بلکه برای هر فردی از افراد وظیفه

حتمیه است که باید دست رنج خود را صرف حیات خود بکنند مطابق فرمایش مولانا امیرالمؤمنین علی که میفرماید الناس سوتی و اهل العلم احیاء برای بشر هیچ حیاتی بالاتر از علم نیست بنابراین تصدیق خواهند فرمود حتی صد یک دست رنج ملت که از او گرفته میشود بحیاتش صرف نمی شود یک سراجعه به بودجه کمرشکن سایر وزارتخانه ها این عرض بنده را بخوبی ثابت می کند و اگر با دیده انصاف قضاوت کنیم معارف که بمنزله روح مملکت است در نزد اولیای دولت و نمایندگان ملت در درجه هزارم از اهمیت را هم نسبت به مملکت حائز نیست. به هر حال معارف ناقص است باید تکمیل شود حتماً هم باید تکمیل شود حالا چطور و چه شکل تکمیل شود عقاید مختلف است چیزی را که تجربه به بنده آسوخته و به عقل قاصر می رسد این است که باید فکر تشکیلات و توسعه معارف را برای یک مدت طولانی که اقل آن پنج سال باشد در یک کله مقتدری که هیچ نفوذ غیر مشروع در وجود آن شخص مؤثر نباشد تمرکز داده یعنی یک رئیس کل معارف با اختیارات تامه که از مجلس به او داده شود در صدر معارف ایران قرار بگیرد که ابداً با سیاست سملکت رابطه نداشته باشد عرض نمیکنم که یک مستشار متخصصی باید برای این وزارتخانه هم مثل سایر وزارتخانه ها جلب شود زیرا ممکن است عقاید همکاران محترم با من موافق نبوده بلکه از خارج هم تیره های تهمت بظرف بنده پرتاب شود ولی در این عقیده هستم که باید یک نفر برای سیاست کل معارف ایران با اختیارات تامه از مجلس معین شود لزوم این پیشنهاد بقدری روشن و در نزد متفکرین معارف پرور به اندازه سیرهن است که هیچ احتیاجی باقاصه دلیل نیست ولی برای اینکه مطلب کاملاً روشن شود از ذکر یک دلیل برای لزوم این پیشنهاد ناگزیرم و آن این است تقریرات استواییه هیئت های دولت که ستاسفانه سالی بالغ یرشش هفت سرتبه پیش آمد میکنند مجال کمترین مدت اجرای یک فکری را برای یک وزیر معارف ولو هر قدر هم که وطن پرست باشد نمیدهد زیرا وزیر معارفی که میخواهد برطبق سلیقه و عقیده خود طرحهائی برای ترقیات و تکمیل معارف تهیه کند هنوز سرب آن بیچاره در روی کاغذ خشک نشده کابینه ساقط و آن نقشه وزیر مسقوط از بین می رود وزیر دیگری که بجای او معرفی میشود برای خودتمائی و اظهار حیات نقشه سلف خود را باطل و تا میخواهد طرح دیگری مطابق عقیده خود بریزد بسلف خود ملحق میشود در اینصورت البته آرزوی ترقی معارف برای معارف پروران مثل آرزوی خودشان. و ناگزیر باید همراه خود بگور ببرند چون بنده کاملاً اجتماعی و بشور معتقدم اگر یک پیشنهاد مفیدتری بنظر نمایندگان محترم برسد با کمال افتخار در او شرکت نموده و ابداً اصراری در پیشرفت عقیده خود نخواهم داشت ولی نظر به مسؤولیت سنگینی که برعهده گرفته ام نمیتوانم همکاران محترم خودم را اطمینان بدهم که تا حصول مقصود تکمیل معارف تا انقضای مدت خدمت از استماع صدای تحیف بنده آسوده خواهند بود البته رئیس معظم معارف پرور متبوع من هم در هر جلسه قبل از دستور بنده را مساعدت خواهند فرمود. عرض دیگر بنده راجع به تجارت و تجار

ایرانست البته تصدیق میفرمائید که تجارت بمنزله روح است در مملکت اگر کسالتی بر روح عارض شود سایر اعضای بدن از کار باز میماند امروز روح مملکت دچار کسالت بلکه قلب ملت مبتلا بخفقان شدیدی شده اگر اطبای حاذق مملکت که عبارت از نمایندگان محترم باشد رفع او را نکنند مخاطرات عظیم حیات مملکت را تهدید می کنند صدای تجار ایران عموماً و تجار شمال از قبیل خراسان و آذربایجان خصوصاً راجع به فلاکت خودشان بعیوق میرسد و تصور می رود روی سبزه های تحریر آقایان هم کاران محترم که این بنده هم عضو عاجز آنها هستم تلگرافات شکایات تجار یک تل مملو از غم و اندوه را تشکیل داده است که اصلاح آن فقط بهمت وطن پرستانه آقایان نمایندگان محترم است که بفریبت کمیسیون مخصوص تشکیل و به بدبختی تجار خاتمه دهند. اما راجع به اجزای محترم تلگراف در جلسات گذشته همکاران معظم بنده آقایان آقا سید یعقوب و آقای اعتبار بالمبادله فرمایشاتی فرمودند که بعقیده بنده دفاع آقای اعتبار کافی نبود و به مناسبت ضیق وقت طوریکه شاید و باید خدمات ذی قیمت اعضاء و اجزاء محترم تلگراف را نسبت به مملکت بانخاص به آزادی و مشروطیت بیان فرمودند. حس قدردانی بنده را وادار میکند که وظیفه حتمیه خود را ادا نموده و بایک صدای مملو از حقیقت معروض دارم که تلگرافچی های ایران در حصول آزادی و مشروطیت بیش از هر سجاهدی فداکاری نموده و در مقابل قشون استبداد که برای العین در آذربایجان و خراسان مشاهده نمودم صف مقدم را برای حفظ اساس مشروطیت تشکیل داده بودند...

رئیس - حقیقتاً مطلب را بنده نمی فهمم!! وقت مجلس خودتان تصدیق میفرمائید با آن پیشنهاداتی که در نظر گرفته اید و سیخواید عملی شود خیلی مهم تر از این است که مشغول کنفرانس شویم.

زوار - خوب بود قبلاً اجازه نمی فرمودید.

رئیس - اجازه راجع به مسائل مهم است آن روز هم عرض کردم موضوع مدافعه از وزارتخانه مربوط بهمان وزیر است...

زوار - بنده خواستم حق یک عده را توضیح نکرده باشم.

(صدای زنگ رئیس)

جمعی از نمایندگان - دستور.

رئیس - یک سراسله اخیراً از وزارت مالیه به مجلس رسیده است به ضمیمه سواد سراسله که رئیس بانک شاهنشاهی به وزارت مالیه نوشته است راجع به وجوه انحصار قند و چای و شکر. آقایان مسبق هستند که در چندی قبل در اینجا یک مذاکراتی شد که وزارت مالیه با بانک شاهنشاهی یک قراری داده است که آن قرار بستن یک نوع تصرفی است در وجوه انحصاری قند و شکر اخیراً سراسله تعهد آمیزی از طرف بانک به وزارت مالیه نوشته شده است که هیچگونه تصرفی در آن وجوه نخواهد کرد این است که به عرض مجلس میرسد.

(بشرح آتی خوانده شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی. در تعقیب قسمت (ب) ماده (۹) قانون ایجاد و استقرار عوارض انحصار قند و چای اینک

متخلفین برقرار گردد. بنابراین لایحه ذیل تحت ماده واحده تهیه و بقید فوریت برای تصویب مجلس مقدس تقدیم میشود:

(لایحه قانونی منع خروج طلا و نقره از سرحدات)

ساده واحده - از تاریخ تصویب و ابلاغ این قانون خروج طلا و نقره خواه بصورت مسکوک خواه بصورت شمش و خاک و اشغال آن از سرحدات بکلی ممنوع است ولی هر مسافر تا میزان دوازده تومان میتواند در موقع عبور از سرحد مسکوک طلا و نقره با خود همراه داشته باشد و راجع به زینت آلات و صنایع مملکتی نیز وزارت مالیه باید ضمن نظامنامه اجرای این قانون مقررات معینی ذکر و همچنین جهة متخلفین نیز مجازات شدید قید نماید.

(محل مهر و امضاء وزارت مالیه) (محل مهر و امضاء رئیس الوزراء)

رئیس - مقصود آقای وزیر مالیه این است که فی المجلس تحت شور بیاید.

وزیر مالیه - بلی.

رئیس - فوریت اول این لایحه مطرح است. آقای روحی (اجازه)

روحی - موافقم.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - موافقم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - موافقم.

رئیس - آقای فرمند (اجازه)

فرمند - بنده با فوریتش مخالفم.

رئیس - فرمائید.

فرمند - بنده شخصاً این طور عقیده دارم که این لایحه بر ضرر منافع اقتصادی این مملکت است و معتقدم که باید در کمیسیون شور بشود و فوریت ندارد و امروز هم که دستور مجلس بانگ رهنی است این لایحه عقب بیفتد بهتر است بنابراین بنده مخالفم.

رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - عرض کنم تا نظریه آقا تأمین شود دیگر بعقیده بنده نه طلا باقی مانده و نه نقره بنده انتظار داشتم که دولت زودتر این لایحه را بیاورد و بطوریکه اطلاع دارم همه روزه با کلی پستال مقدار زیادی بول در این مملکت خارج میشود این است که از آقایان استدعا دارم که موافقت فرمایند و کمتر در اطرافش مذاکره فرمایند و بگذارند زودتر بگذرد.

وزیر مالیه - آقایان میدانند که دفعه چهارم است که بنده این لایحه را آورده ام و هر دفعه بواسطه یک وقایعی معوق مانده و همین طور که آقایان در نظر دارند دولت هم در نظر دارد که بفریبت بگذرد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - رأی گرفته میشود بفریبت اول این لایحه. آقایان

موافقتین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

حساب می کند و هیچوقت غفلت از حالت روحی و حالت معارفی آنجا ندارد و رئیس معارف آذربایجان هم آدم شایسته ایست و در کار معارفی با ملاحظه است. البته همینطور که صورت خواندند غیر از ساوجبلاغ هم قطعات هست که هنوز برای آنها مدارس درست نشده در نظر خواهد گرفت بنده هم به وزارت معارف تذکر خواهم داد که ساوجبلاغ و صائین قلعه را هم در نظر بگیرند که محروم نباشند و اسیدوارم که به همت نمایندگان محترم در سال آتی در بودجه ها یک تفاوت زیادی ملحوظ شود برای معارف تا نسبت به آذربایجان هم یک قسمت حسابی منظور شود. اما راجع به مسئله لویج: پنج لایحه تقدیم مجلس شورای ملی میشود دوتای اینها فوریت دارد و استدعا میشود که اگر ممکن است امروز اینها را از مجلس بگذرانند که خیلی مقتضی است یکی مسئله راجع به منع خروج طلا و نقره است و یکی دیگر راجع بدو دوازدهم است که برای ادارات دولتی لازم است یکی هم راجع به مسئله عوائد و تسهیل تجارت روده است که بنظر آقایان میرسد آنهم گرچه فوریت دارد ولی در جلسه بعد انشاء الله طرف توجه آقایان خواهد شد دو لایحه دیگر هم لایحه حقوقی است تقدیم میشود که بعد بعرض آقایان خواهد رسید.

وزیر پست و تلگراف - لایحه استخدام مسیو ژامار بلژیکی

رئیس کل پست و تلگراف است تقدیم مجلس میشود.

وزیر مالیه - بنده برای جواب آقای آقا سید یعقوب هم که مقرر فرموده بودند سئوالی دارند حاضر ولی تصور میکنم امروز این لویجی که فوریت دارد بموقع مذاکره گذاشته شود نمایندگان محترم بیشتر توجه دارند.

رئیس - آقای دادگر (اجازه)

دادگر - عرض کنم اینکه فرمودند عرایض بنده محتاج بتوضیح است بنده استفاده میکنم از ماده صد و نه و عرض میکنم که عرایض بنده ایهام نداشت عرض بنده این بود کسی که با شرایط و قواعدی یک اجازه را میگیرد وقتی که بخواهند از او پس بگیرند پولش را باید بدهند. حسابش را بدهند. دیگر اینکه اسم بنده هم دادگر است عدل نیست.

رئیس - لایحه که از طرف آقای وزیر پست راجع باستخدام مسیو ژامار بلژیکی تقدیم شده است به کمیسیون خارجه و فوائد عامه و بودجه مراجعه میشود لایحه وزارت مالیه راجع به قانون منع طلا و نقره قرائت میشود.

(بشرح آتی قرائت شد)

مقام محترم مجلس شورای ملی

نظر باینکه مدت سه سالی که برای اجرای قانون مصوب (۳۰) جوای ۱۳۰۲ راجع به منع خروج طلا و نقره مقرر گردیده بود منقضی گردیده است و نظر باینکه در موضوع آزادی خروج طلا و نقره شکایاتی رسیده و بیم آن می رود که با وضعیات فعلی قسمت اعظم مسکوک طلا و نقره رایج مملکت بخارجه حمل شود لذا دولت پس از مذاقه در قضیه مقتضی میداند که برای مصالح و منافع عمومی قانون جدیدی دائر بمنع خروج مسکوک طلا و نقره و شمش و اشغال آنرا با مدت غیر محدود و با ایجاب مجازات شدید جهت

رئیس — تصویب شد. در فوریت ثانی مخالفتی نیست؟
 یکنفر از نمایندگان — قانون مالی است یک شور دارد.
 رئیس — قانون عادی است. رأی گرفته میشود بفوریت ثانی.
 آقا سید یعقوب — بنده در ماده اش عرض دارم.
 رئیس — هنوز بماده نرسیده است. فوریت ثانی یعنی
 فی المجلس بدون مراجعه به کمیسیون. آقایانی که موافقت قیام
 فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس — این هم تصویب شد. حالا ماده واحده مطرح
 است یکمرتبه دیگر قرائت میشود.

(به شرح سابق قرائت شد)

رئیس — آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب — بنده با اینکه فوق العاده علاقه مند به این
 قانون هستم چنانکه نظر آقایان هم هست که در پروگرام اول
 چیزی که تذکره دادم همین مسأله بود که دولت هم متوجه به این
 فلاکت بشود. خوب لایحه را آوردند و همین طور که آقای وزیر
 هم فرمودند چندین مرتبه هم آورده اند. اما مخالفت بنده در دو
 کلمه است یکی کلمه (ابلاغ) که بعد از تصویب نوشته شده
 این (ابلاغ) گویا تازه در این کابینه پیدا شده است. ابلاغ یعنی
 چه؟ بعد از اینکه به تصویب مجلس رسید از طرف هیئت رئیسه
 فوراً داده میشود به وزارتخانه مربوطه و این کلمه یک کلمه ایست
 که من این را بیکدردی مخوف میدانم برای اینکه اسباب تعطیل
 ممکن است بشود و آن طوری که ما در نظر داریم و خود وزارت
 مالیه در نظر دارد که این قانون زود عملی بشود این کلمه منافی
 آن است و زاید است و از عمل جلوگیری مینماید زیرا تمام مسایل
 هستیم که انشاء الله امروز که این قانون از مجلس گذشت فوراً
 به اداره گمرکات سرحدات اطلاع بدهند که تصویب شده است و
 دیگر خارج نشود اینقدر مجلس علاقه مند است پس این کلمه
 ابلاغ را بنده مخالفم و کلمه ایست که اسباب تعویق در اجرا
 میشود. یکی هم راجع به مسأله نظامنامه است بنده عرض میکنم راجع
 به خروج طلا و نقره شمش مطلقاً سواى زینت آلات این مسأله را اگر
 بخواهند در تحت نظامنامه تحلیلش ببرند یعنی طوری نظامنامه را
 بنویسند که اصل قانون را از بین ببرد مخالفم چنانکه خود آقایان
 میدانند نظامنامه هائی که در وزارتخانه نوشته میشود نظامنامه
 نیست یک دستور آسمانی است که به کلی اصل قانون را از بین میبرد
 و خود نظامنامه قائم مقام میشود و در هر ماده از نظامنامه یک
 کلمه از قانون هم اجمالاً اشاره میشود والا نظامنامه ها به کلی
 قوانین را از بین برده است این است که بنده عقیده ندارم که اجراء
 این قانون را در قسمت منع خروج طلا و نقره و مسکوک و شمش
 موکول نمایند بگذشتن و طرح نظامنامه ولی راجع به خروج زیورآلات
 در دوره چهارم هم بنده در این مسأله خیلی جدیت داشتم و به این
 جهت عرض میکنم تنظیم نظامنامه مخالف با نظر فوریت است و
 اسباب تعویق اجراء قانون خواهد شد. گرچه بنده عقیده دارم هر
 قانونی نظامنامه راجع به اجراء لازم دارد ولی این قانون محتاج

بود که میخواستم بطور اختصار عرض کنم. حالا عرض میکنم اگر
 یک کلمه هم که در یک قانونی بنظر دولت خوب آمد و ممکن است
 در آنوقت مجلس متذکر نبوده راهش این است که به مجلس بیاورند
 و اصلاح نمایند نه اینکه هر طور میخواهند قانون را تفسیر نموده
 و تغییر بدهند این است که باید همیشه در قانون گذاری مخصوصاً
 در مملکت ما که این عادت زیادتر است دقت کرد که قانون کاملاً
 صریح نوشته شود و این جمله اخیر این ساده یک جمله طویل کش داری
 است که هر چیزی بخواهند میتوانند در این جمله بگذارند اولاً
 راجع به مجازات. ما در قانون مجازات عرفی سوادى راجع به این
 قبیل مسائل پیش بینی کرده ایم خوب بود احاله میدادند به قانون
 مجازات عمومی که متخلف مطابق قانون مجازات عمومی مجازات
 خواهد شد. در آنجا مواد صریحی داریم که برای متخلفین از قانون
 یک مجازات هائی معین شده بعلاوه ممکن بود دولت یک ماده خیلی
 ساده و روشنی پیش بینی کند و بیاورد در مجلس الان هم ممکن
 است یک ماده را نوشت و اگر فرصت داده شود بنده الان یک ماده را
 مینویسم و بنظر مجلس میرسانم و حکم و اصلاح میکنم و میگذرانیم
 ولی اینکه نوشته شود همین طور دولت بموجب نظامنامه یک
 مجازات هائی بکند بنده مخالف هستم و صلاح نمیدانم و کاملاً
 سوء استفاده خواهد شد (بعضی از نمایندگان صحیح است) و اما
 قسمت صنایع و طلاآلات و غیره اینهم یک جمله مبهمی است که
 دولت فکر بکند بعدها و به بیند چه چیز هائی را صنایع مملکتی
 تشخیص میدهد و چه چیز هائی را زینت. بنده تصور میکنم خوب
 بود این ده پانزده روزی که این قانون حاضر بود یک کمیسیون در
 وزارت مالیه تعیین میکردند و این موضوع را تشخیص داده و
 بصورت قانونی تحت یکی دو ماده میآوردند اینجا میگذرانند والا
 باز در تحت این عنوان اگر یکوقت یک دولتی باشد که موافق باشد
 که طلا و نقره از مملکت خارج شود تمام طلا و نقره را بصورت
 زینت آلات در میآورد و از مملکت خارج میکند و اگر مخالف باشد
 هر چیزی را هم که بخواهند خارج کنند و برای ما یک منافع
 اقتصادی داشته باشد باز ممکن است جلوش را به عنوان نظامنامه
 بگیرد. در هر صورت بنده اساساً در نظر گرفته ام که در دوره ششم
 یک کمیسیون در مجلس اختصاص داشته باشد برای تهیه
 نظامنامه که نظامنامه های مدونه دولت به تصویب آن کمیسیون
 برسد ولی این ترتیب تفسیرات و تعبیراتی که دولت در نظامنامه
 میکند به عقیده بنده کاملاً مضر است و هر روز ایجاد میکند که
 بنده و آقای رفیع و سایرین از دست نظامنامه فریاد بزنیم و دوساعت
 وقت مجلس را صرف این کار بکنیم این است که آن جمله اخیر را
 بنده پیشنهاد خواهم کرد که حذف بشود و یک ماده بجای آن
 مجلس تصویب نماید.

رئیس — آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی — فرمایشات رفیق محترم آقای شیروانی یک قسمت
 راجع به نظامنامه بود کراماً در دوره پنجم هم همین طور بنده
 سیدیدم که آقایان از نظامنامه که دولت مینویسد نگران هستند
 و حتی المقدور عقیده دارند که این اجازه را بدولت ندهند و میخواهند

سوادى که حتماً باید در نظامنامه باشد در جزو قانون در مجلس
 تصویب شود در صورتی که راجع به هر قانونی یک جزئیاتی است که
 نمی شود آنها را در خود قانون نوشت و نمی شود از آن جزئیات هم
 صرف نظر کرد. بنابراین پهلوی هر قانونی یک نظامنامه اجرائی لازم
 است باشد و در طرز اجراء هر قانونی یک سوادى بنظر میرسد که
 نمی توان آن سواد را در خود آن قانون قید کرد مثلاً در منع خروج
 مسکوک طلا و نقره از مملکت البته یک معاملات و قرارداد هائی
 بین وزارت مالیه و تجار و مؤسسه های اقتصادی در عمل لازم است
 که ما نمی توانیم در قانون پیش بینی کنیم. ناچار وزارت مالیه باید
 آنها را در نظر بگیرد و با مراجعه به اشخاصی که سابقاً مشغول خروج
 مسکوک طلا و نقره بوده اند یک سوادى تهیه بکند که بتواند
 مطابق آن سواد از عهده جلوگیری از این خروج مسکوک طلا و نقره
 برآید و صرفاً به یک ماده واحده نمی تواند اکتفا نماید. البته اگر
 این قانون فوریت نداشت ممکن بود وزارت مالیه یک قانونی که
 دارای سواد مفیدی باشد پیشنهاد کند برود به کمیسیون و حلای
 و شور بشود ولی با فوریتی که نمایندگان محترم هم تصدیق دارند
 عجله یک ماده واحده آورده اند که به تصویب مجلس برسانند که
 فعلاً خروج مسکوک ممنوع بشود تا آن وقت بقیه جزئیات آن را
 به موجب یک نظامنامه ترتیب بدهند. و اگر ما بخواهیم بموجب
 قانون کلیه عملیات دولت را یعنی عملیاتی را که ممکن است
 برخلاف رویه باشد جلوگیری کنیم ممکن نیست و در مقام عمل
 هم دیده ایم هر چه قانون را خوب و مطلوب مینویسند ولی وقتی
 که یک مسؤولیت و مجازات یا نظارتی که حق ما است در کار
 نباشد و از طرف ما اعمال نشود ممکن است آن قانون را بد اجرا
 کنند و بسا قانون هاست که اصلاً اجرا نشده است. در این صورت
 اگر ما دقت کنیم و سعی کنیم که یک کمیسیون در مجلس برای
 نظامها تشکیل شود وقتی که دولت خود را کاملاً مسؤول دید و
 ما نظارت خودمان را در مسؤولیت دولت اعمال کردیم آنوقت
 دولت قوانین را خوب اجرا میکند ما باید کاملاً در عملیات دولت
 نظارت داشته باشیم و در وقتی که از قانون تخلف کرد باید او را
 مؤاخذه کنیم. فرمودند دولت نباید در هر نظامنامه برای متخلفین
 مجازات معین کند و باید مراجعه بدهند مجازات متخلفین را به
 قانون جزای عرفی. در آنجا ترتیب مجازات متخلفین را یک طوری
 معین کرده ولی به نظر بنده همچو چیزی نمیرسد که در قانون جزای
 عرفی یک ماده مخصوص برای مجازات کسانی که طلا و نقره که
 از سرحد خارج میکنند معین شده باشد بطور مطلق مجازاتی برای
 به این اکتفا کنیم و اجازه بدهیم که بوسیله مأمورین دولت طلا و
 نقره از مملکت خارج شود و آنوقت او را منفصل کنیم. فرضاً درباره
 مأمورین دولت به مجازات قائل شویم و آنها را منفصل کنیم ولی
 غیر از مأمورین دولت اشخاص دیگری هم از قبیل تاجر و غیره
 هستند که نمی شود مجازات آنها را بموجب قانون انفصال قرارداد.
 چه طور میشود مثلاً تاجر را از شغل خودش منفصل کرد. در حال
 به عقیده بنده متخلف از قانون را باید مجازات کرد و انفصال هم در

این مورد بخصوص مفید نیست در این صورت مجازات علیحده لازم دارد و چون از لحاظ فوریت و اهمیت مطلب مجال نبوده و ناچاریم امروز به این ماده واحده رأی بدهیم و این قانون را بگذرانیم ممکن است بعد وزارتخانه مربوطه یک نظامنامه تهیه کند و در آن مجازات متخلف را بطوری که مقتضی بداند معین کند و این قضیه هم سابقه دارد و آن این است که ما در یکی از مواد قانون جزا اصلا بدولت و وزارتخانه اجازه دادیم که خودشان در باب امور خلافی نظامنامه تهیه کنند. پس به نظر بنده اشکالی ندارد بعلاوه مجازات این مسأله هم این قدرها شدید نیست که موجب وحشت و نگرانی شود و همینطور در قسمت مصنوعات طلا و نقره که چه گونه و چه طور باید تشخیص داده شود و زیورات کدام است و چه جور باید خارج شود. بعقیده بنده اینها یک چیزهایی است که در این قانون نمی شود احصاء کرد و ناچار باید به وزارتخانه حق داد که این مسائل را در نظامنامه قید نماید و هیچ اشکالی هم نخواهد داشت.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست. پیشنهاد کنیم در ماده واحده بعد از کلمه ابلاغ زیاد شود — از مجلس

رئیس — آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب — نظر بنده همان مسأله بود که به عرض آقایان رساندم و بنده کلمه ابلاغ را اسباب زحمت میدانم. این است که استدعا می کنم آقای وزیر حاضر شوند که اصلا کلمه ابلاغ را از قانون بردارند و اگر برنمدارند نوشته شود: بعد از ابلاغ از طرف مجلس. مقصود این است نوعی شود که اسباب زحمت فراهم نشود. دیگر بسته به میل خودشان است.

وزیر مالیه — کلمه ابلاغ را برسداریم.

رئیس — کلمه ابلاغ را مسترد میکنید؟

وزیر مالیه — بلی نوشته میشود بعد از تصویب مجلس.

بعضی از نمایندگان — کلمه ابلاغ لازم است.

رئیس — آقایان میدانند که ابلاغ از وظایف و مختصات دولت است و محتاج نیست که جزو ماده قانون نوشته شود از آن حیث بود که برداشته شد. پیشنهاد آقای فیروزآبادی قرائت میشود. (بمضمون آتی قرائت شد)

چون شخص مسافر بخواهد از سرحد خارج بشود و مراجعت هم بنماید دوازده تومان کفایت نمی کند. بنده پیشنهاد میکنم بیست تومان نوشته شود.

رئیس — آقای فیروزآبادی (اجازه)

فیروزآبادی — در اینجا نوشته است بیشتر از دوازده تومان طلا حق ندارد خارج کند و چون این شخص مسافر که میخواهد از سرحد خارج شود قصد مراجعت را هم دارد و ترتیب برات گرفتن هم در آنجا برایش میسر نیست و ممکن است رفتن و مراجعتش هم چندین روز طول بکشد و شاید دوازده تومان هم کفافش را ندهد از

و ترتیب اجرای آن را بعهده قوه مجریه قرار داده است دولت هم قوه مجریه است و باید بهمان ترتیبی که موظف است عمل کند و الا اگر متمسک شوند که پنج روز دیرتر این قانون بما ابلاغ شده است چه خواهید کرد مثلا گمرک خواهد گفت که این قانون یکماه بعد بمن ابلاغ شده آنوقت چه میکنید؟ این فرسول سابقه ندارد علی ای حال رأی میگیریم آقایانی که با پیشنهاد آقای ارباب موافقت قیام فرمایند.

(چند نفری قیام کردند)

رئیس — تصویب نشد.

فاطمی — کسی توضیح نداد.

رئیس — نظامنامه اجازه نداده بیش از یک مخالف و موافق حرف بزنند. پیشنهاد آقای فهیمی قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بجای مجاز است نوشته شود: در مرتبه اولی نصف طلا و نقره ضبط شود و در مرتبه ثانی تمام ضبط دولت شود.

رئیس — آقای فهیمی. (اجازه)

فهیمی — آقایان را توجه میدهم بفرمایشاتی که آقای آقاسید یعقوب و آقای شیروانی کردند که بهمان طوری که اظهار شد تهیه نظامنامه و اجراء با دولت است اینکه فرمودند دولت نظامنامه را باید تهیه کند و بیاورد به کمیسیونهای مجلس بنده عرض میکنم کمیسیونهای مجلس در هر دوره تغییر می کند و کمیسیونهای جدیدی که معین میشود از مذاکرات سابقه و اطلاعاتی ندارند و از موضوع مذاکرات و جلسات گذشته مستحضر نمی باشند منتهی قانون را باید واضح تر و بسطو تر نوشت بخصوص در این اوقات که همانطور که آقای آقاسید یعقوب فرمودند نظامنامهائی که از طرف وزارتخانهها نوشته میشود صراحتا برخلاف مدلول قوانین است. شاید حال مقتضی نباشد صریح تر عرض کنم که چه نظامنامهائی نوشته شده است ولی اجمالا عرض میکنم که مخالف صریح قوانین موضوعه است بخصوص در مسأله مجازات و این بعقیده بنده یک چیزی نیست که به اختیار نظامنامه گذاشته شود والا اگر دولت مجازات اشخاصی که طلا و نقره خارج میکنند اعدام قرارداد آیا این مجازات صحیح است؟ و آنوقت میتوانیم بدولت بگوئیم چرا اینطور مجازات درست کردی این بعقیده بنده عملی و صحیح نیست مجازات و جریمه و این قبیل چیزها یک چیزهایی است که باید در خود قانون ذکر شود و نباید سوکول به نظامنامه گردد و اینکه ما مجازات را احاله بدهیم به نظامنامه این را بنده مبهم و غیر کافی میدانم و عقیده دارم که مجازات در خود قانون ذکر شود حالا اگر آقایان در کم و زیاد آن مذاکراتی دارند بنده مخالف نیستم مقصود این است که مجازات سوکول به نظامنامه نشود که اسباب زحمت فراهم گردد.

رئیس — آقای فاطمی. (اجازه)

فاطمی — عرضی ندارم.

رئیس — آقای عدل. (اجازه)

عدل — بنده با فرمایشات آقای فهیمی تمام موافقم.

یک نفر از نمایندگان — دو نفر موافق نباید پشت سرهم حرف بزنند.

عدل — اجازه بدهید بنده میدانم در مسأله طلا و نقره چه زحماتی برای مردم وارد شده است و خوب میدانم که بی اندازه مزاحم زوار شده اند و نوشتن نظامنامه را به اختیار گمرک گذاردن یک کار خطائی است ولی اینکه ایشان پیشنهاد می کنند که در دفعه اول نصف طلا و نقره و در دفعه ثانی تمام ضبط شود چون دفعه ثانی ندارد از این جهت بنده معتقدم که همان دفعه اول ضبط نصفش کافی است.

وزیر مالیه — بنده تصور میکنم در این جا دولت رعایت مقام مجلس را کرده است که تعیین جزا را سوکول به نظامنامه دانسته است و آقایان باید این مسأله را بدانند که این هیئت دولت برخلاف قوانین موضوعه هیچ نظامنامه را وضع نخواهد کرد و بعلاوه در اداره گمرک یک نظامنامه برای این قبیل مسائل. ناچاقها. بردن اسبابها. و خروج طلا و نقره و غیره هست و در آنجا سابقه دارد و مشغول اجرای آن هستند و البته در این موضوعهم دولت در نظر خواهد گرفت که برطبق قوانین موضوعه نظامنامه وضع کند و مقدار مجازاتی که معین می کند متناسب با جرم اشخاص خواهد بود. و البته همان طور که فرمودند مثلا برای پنج تومان اعدام نمی کنند و تصور میکنم دولت در اینجا مراعات وقت مجلس را کرده است و البته پس از آنکه نظامنامه وضع شد چاپ میکنند و به نظر همه آقایان خواهد رسید و ملاحظه خواهد فرمود که هیچ مخالفتی با قانون نخواهد داشت.

رئیس — رأی میگیریم به پیشنهاد آقای فهیمی...

شیروانی — خوب است یکمرتبه دیگر قرائت شود.

(به شرح گذشته قرائت شد)

وزیر مالیه — مقصود دولت این است که اصلا هیچ طلا و نقره خارج نشود. برطبق این پیشنهاد اگر دولت نصفش را ضبط کرد نصف دیگرش را ببرند و این مخالف با مقصود است زیرا که ما میخواهیم اصلا هیچ طلا و نقره خارج نشود.

رئیس — رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای فهیمی. آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس — تصویب نشد. پیشنهاد آقای احتشامزاده قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل به ماده واحده منع خروج طلا و نقره الحاق شود.

تبصره — نظامنامه مذکور در ماده واحده فوق را وزارت مالیه تهیه و به تصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس میرساند.

رئیس — آقای احتشامزاده. (اجازه)

احتشامزاده — از مذاکراتی که اغلب آقایان نمایندگان فرمودند همچو معلوم شد که از نظامنامهائی که اغلب وزارتخانهها

سینویسند وحشت و نگرانی دارند و البته حق هم دارند زیرا در این قانون یک مسائل مبهمی هست که دولت نتوانسته است حل کند و موقوف به نظامنامه کرده است برای اینکه بتواند مجازات راسعین کند پس برای اینکه مراتب نظریات همه آقایان ملحوظ شود بهتر این است که دولت نظامنامه را بنویسد و وزارت مالیه تهیه کند و بنرستد به کمیسیون قوانین مالیه و پس از تصویب کمیسیون قوانین مالیه بموقع اجراء گذارده شود که رفع نگرانی آقایان هم بشود.

رئیس - آقای روحی. (اجازه)

روحی - بنده عرض میکنم که این قانون با این عجله و با قید دو فوریت که بمجلس آمده برای این است که هرچه زودتر به تصویب مجلس رسیده و اجراء شود و ما حالا اگر بخواهیم موقوف کنیم به اینکه وزارت مالیه نظامنامه تهیه کند و بیاورد به کمیسیون قوانین مالیه و در آنجا تصویب شود و بعد اجراء شود این سه چهار ماه طول می کشد و آنوقت همان عرضی است که در جواب آقای فرمند عرض کردم دیگر در سملکت نه طلا باقی خواهد ماند نه نقره بعلاوه بنده مخالفم که مجلس در تهیه نظامنامه مداخله کند و عقیده ندارم که مجلس این اندازه مقامش را تنزل دهد و بیاید نظامنامه بنویسد اینها یک مسائلی است که خود دولت برای تنظیم دوائر خودش باید اعمال نماید ولی اگر آقایان میخواهند مسکن است سوادى را از قانون مجازات در نظر بگیرند و مجازات را احاله بدهند به آن مواد که از روی آن مرتکبین و متخلفین قاچاق را مجازات نمایند در هر حال هرچه هست باید به فوریت باشد و بنده با تعلیق بوقت مخالفم.

رئیس - (خطاب به وزیر مالیه) موافقت میفرمائید؟

وزیر مالیه - خیر بنده موافق نیستم که نظامنامه به تصویب کمیسیون برسد مسکن است به نظر کمیسیون برسانیم ولی تصدیق میفرمائید اگر بنا باشد به تصویب کمیسیون برسد اسباب عسرت خواهد بود و بعلاوه این از وظایف دولت است.

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای احتشام زاده. آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای حق نویس قرائت میشود.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

مقام رفیع ریاست مجلس شورای ملی دست عظمته. اینجانب پیشنهاد میکنم که متخلفین از قانون بضبط تمام آنچه خارج سینمازند جریمه میشوند.

رئیس - پیشنهاد دیگری هم آقای آقاسید یعقوب به عنوان تبصره در این زمینه کرده اند قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست. بنده پیشنهاد میکنم تبصره بعد از ماده زیاد شود. مجازات متخلف بضبط کلیه طلا و نقره خواهد بود.

رئیس - آقای حق نویس. (اجازه)

حق نویس - مقصود بنده این بود که هم رعایت سرعت وضع قانون بشود و هم مجازات در خود مجلس معین بشود تا بدولت حق داده نشده باشد که خودش مجازات معین بکند دیگر بسته به نظر آقایان است.

رئیس - آقای فاطمی. (اجازه)

فاطمی - بنده با اینکه مجازات اشخاصی را که طلا و نقره خارج می کنند در نظامنامه که برای این قانون نوشته میشود (همین اندازه که گفتند و پیشنهاد شد) معین کنند مخالف نیستم ولی با اینکه مجازات در تحت این ماده و این قانون ذکر شود مخالفم برای اینکه آنوقت تکلیف مأمورینی که مرتکب رد کردن قاچاق میشوند چیست - مثلاً برای یک رئیس گمرکی که میگذارد طلا و نقره بطور قاچاق خارج شود چه مجازاتی معین میشود؟ ما تا این اندازه هم نباید سوء ظن بدولت داشته باشیم البته صحیح است و همان طوری که آقای فهیمی و سایرین فرمودند یک نظامنامه هائی در وزارتخانه ها وضع شده که تا اندازه مخالفت با قانون دارد بنده هم این قضیه را تصدیق می کنم ولی در هر سوردی هم نباید بدولت سوء ظن داشت - فرض میکنیم رفتند و برای قاچاقچی مجازات شدیدی معین کردند چه خواهد شد و دنیا با قاچاقچی با متقلب چه معامله می کند؟! اینقدرها نبایستی سوء ظن داشت ولی اگر رفتند و یک نظامنامه نوشتند که برخلاف قانون بود آنوقت مجلس میتواند تذکر بدهد یا بعنوان تبصره هر طور خودش دلش میخواهد پیشنهاد کند. این اینقدرها اهمیت ندارد.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده از آقای فاطمی تعجب میکنم که چرا این فرمایش را فرمودند - متخلف اگر مأمور دولت باشد که حکمش در قانون مجازات معین است - در آنجا مجازات مأمور متخلف را انفصال قرارداده است و اینکه بنده و آقای حق نویس پیشنهاد کردیم مقصود متخلف غیر مأمور بود - آقای فهیمی پیشنهاد کرده بودند نصف از طلا و نقره بضبط شود چون آقای وزیر مالیه یک فرمایشی کردند که توجه آقایان را جلب کردند در صورتی که غرض ایشانهم این نبود که نصف طلا را بضبط کنند و نصف دیگرش را اجازه بدهند ببرد - بهرحال چون آقای وزیر مالیه خیلی دقیق هستند بهترین است که همین پیشنهاد ما را قبول کنند بنده و آقای حق نویس پیشنهاد کرده ایم که تمامش را بضبط کنند برای اینکه از خروج طلا و نقره کاملاً جلوگیری شده باشد - اما راجع بمأمور دولت چنانچه عرض شد اگر تخلف کرد حکمش در قانون مجازات معین و مجازاتش انفصال ابدی است (گرچه این قوانین اجرا نشده است ولی امیدواریم انشاء الله در آتی اجرا شود) غرض ما متخلفین غیر مأمور بود که پس از اعلان دولت اگر تخلف کردند تمام طلا و نقره های آنها بضبط شود.

رئیس - آقای فرشی (اجازه)

حاج میرزا آقا فرشی - بنده نمیخواهم زیاد وقت مجلس را تلف کنم بعقیده بنده مسئله دو تا است یکی اینکه این مسئله اهمیت و فوریت دارد و لازم است زودتر مجلس رأی بدهد و یکی در خصوص

نظامنامه است که آیا دولت باید نظامنامه را بنویسد یا مجلس بعقیده بنده خویست مجلس باین قانون رأی بدهد بعد یک قانونی بگذرانند که قوانینی که از مجلس میگذرد نظامنامه آنرا دولت باید تدوین نماید یا مجلس حالا ما این دو مسئله را با هم قاتی می کنیم فایده ندارد.

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای حق نویس که قدری فرق دارد با پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند. (معدودی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقا سید یعقوب آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند. (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد.

نصرة الدوله - بنده پیشنهاد تلفس می کنم.

رئیس - مخالفی ندارد؟

(اظهاری نشد)

(در این موقع جلسه تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - چند فقره لایحه که از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شد بعرض مجلس میرسد که بکمیسیونهای مربوطه ارجاع شود - یکی راجع به برقراری هشتاد و سه قران شهریه در باره فرخ خان پسر مرحوم میرزا کاظم خان عضو سابق گمرکات بکمیسیون بودجه ارجاع میشود - لایحه دیگر راجع به برقراری سالی ده هزار فرانک از قرار فرانکی دوقران بطور ثابت درباره مسیو همنس رئیس سابق گمرکات بکمیسیون بودجه ارجاع میشود - لایحه دیگر راجع به رده است بکمیسیون قوانین مالیه و بودجه ارجاع میشود لایحه دیگر راجع به تصویب دودوازدهم که به قید فوریت است بعد تکلیفش معین میگردد.

وزیر فواید عامه - سه لایحه است که تقدیم میشود یکی راجع به مهندس راه آهن که اجیر شده است و میاید ولی برای خودش یک اعوانی خواسته است - یکی هم راجع به مهندس ذوب آهن است که اوهم برای خودش یک کمکی خواسته است و گفته است که من تنها نمیتوانم این کار را صورت بدهم یکی هم که در جزو همان لایحه مهندسی معدن است استخدام یک نفر مهندسی است برای نطف - و یک لایحه دیگر هم راجع است به اتوبوس رانی در شهر طهران که شرحش برای استحضار عرض شد.

رئیس - لایحه راجع به اتوبوس رانی بکمیسیون خارجه و فواید عامه ارجاع میشود سایر لوایح که راجع به مهندسی است بکمیسیون فواید عامه و بودجه و خارجه ارجاع میشود.

وزیر مالیه - برای توضیح ماده واحده این مواد ترتیب داده شده که بنظر آقایان نمایندگان تصویب شود.

رئیس - آن ماده واحده را مسترد میدارند و باینصورت پیشنهاد نموده اند.

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده اول - خروج طلا و نقره خواه بصورت مسکوکات خواه

بصورت شمش و خاک و امثال آن از سرحدات بکلی ممنوع است ولی هر مسافر تا میزان دوازده تومان میتواند در موقع عبور از سرحد مسکوک طلا و نقره با خود همراه داشته باشد.

رئیس - این ماده مخالفی دارد؟

یک نفر از نمایندگان - بقیه مواد را هم بخوانند.

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده دوم - راجع بخروج صنعتی طلا و نقره که از این منع مستثنی است وزارت مالیه در ضمن نظامنامه اجرای این قانون مقررات معینی ذکر خواهد نمود.

ماده سوم - مجازات متخلف که بیست روز پس از تصویب این قانون حتمی الاجراست عبارت است از:

(۱) ضبط اشیاء ممنوعه از نصف تا کلیه آن اشیاء -

(ب) در صورت تکرار جرم مجازات فوق بعلاوه اخذ یک برابر قیمت اشیاء ممنوعه است

(ج) محکمه میتواند علاوه بر مجازاتهای فوق متخلف را محکوم به بیست روز تا دو ماه حبس تأدیبی نماید.

رئیس - آقای فرمند (اجازه)

فرمند - در خصوص این ماده اگر مجدداً صحبت میشود بنده عرض دارم والا در کلیات عرایض خودم را عرض میکنم.

رئیس - همان پیشنهاد است که به چند ماده تجزیه کرده اند ماده اول یک مرتبه دیگر خوانده میشود.

(بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - رأی گرفته میشود بماده اول

دیبا - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بنفرمائید.

دیبا - آن ماده واحده را آقای وزیر مالیه پس گرفتند و این را که پیشنهاد کرده اند چند ماده است باید بدو شور در کلیات آن بشود.

رئیس - همان پیشنهاد است که بیچند ماده تجزیه کرده اند، رأی گرفته میشود بماده اول آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند) - تصویب شد، ماده دوم.

(بشرح سابق قرائت گردید)

رئیس - مخالفی دارد؟ (اظهاری نشد) - رأی گرفته میشود بماده دوم آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند - (اغلب برخاستند) - تصویب شد، ماده سوم.

(بشرح سزبور قبل خوانده شد)

رئیس - مخالفی ندارد؟

یاسائی - بنده مخالفم.

رئیس - بنفرمائید.

یاسائی - بنده نمیدانم بچه مناسبت مدت بیست روز رادر اینجامعین کرده اند وقتی که ما باین موضوع رأی دادیم فوری از طرف مجلس بدولت ابلاغ میشود و دولت هم فوری آنرا اجرا میکند از قید این بیست روز شاید یک اشخاصی استفاده هائی بکنند و این مدت را وسیله تأخیر اجراء این قانون قرار دهند.

وزیرمالیه -- توضیحاً عرض میکنم که بمجرد گذشتن این قانون از خروج طلا و نقره جلوگیری میشود ولی این بیست روز راجع به مجازات است زیرا باید اول مردم اطلاع پیدا کنند بعد اگر تخلف کردند مجازات بشوند .

رئیس -- آقای دادگر . (اجازه)

دادگر -- ماده سوم بسه قسمت (الف - ب - ج) تقسیم شده است و تنها در قسمت (ج) نوشته شده است که محکمه میتواند علاوه بر مجازاتهای فوق متخلف را محکوم به بیست روز تا دو ماه حبس تأدیبی نماید و در آن دو مورد دیگر نوشته نشده است که محکمه باید باشد یا نباشد و بر فرض اینکه در آن دو مورد هم محکمه باشد از آقای وزیر سؤال میکنم که طرز اجرای آن چطور است؟

وزیرمالیه -- قسمت (ج) برای این نوشته شده است که اگر خواسته باشند یک مجازات شدیدتری تعیین نمایند بتوانند و در لایحه قبل هم قرار شده بود که متخلف سخت تنبیه میشود بنابراین ذکر از محکمه شده است ولی در دو قسمت (الف و ب) مطابق معمول مأمورین گمرک اقدام خواهند کرد بجهت اینکه عین جنس حاضر است و مطابق قانون عمل خواهند کرد و محکمه هم رجوع نمیشود ولی اگر کسی شکایت کرد برای اینکه بان شکایت رسیدگی کنند البته باید محکمه صالحه رجوع شود والا مطابق معمول گمرک عمل خواهند کرد.

(پیشنهاد آقای ضیاء بشرح ذیل خوانده شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی - پیشنهاد میشود ماده ۳ بترتیب ذیل اصلاح شود:

این قانون پس از تصویب مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذارده خواهد شد و متخلفین پس از بیست روز از تاریخ تصویب این قانون بترتیب ذیل مجازات خواهند شد .

رئیس -- آقای ضیاء . (اجازه)

ضیاء -- همانطور که آقای یسائی تذکر دادند در قسمت اول این ماده یک ابهامی هست که ممکن است بدتفسیر شود یعنی بعضی خیال کنند که ممکن است تا مدت بیست روز مسکوک طلا و نقره را از سرحد خارج بکنند و مجازاتی هم برای آنها نیست بنابراین بنده پیشنهاد کردم که قسمت اول ماده سوم اینطور اصلاح شود که این قانون پس از تصویب مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذارده خواهد شد و متخلفین پس از بیست روز از تاریخ تصویب این قانون بترتیب ذیل که ذکر شده مجازات خواهند شد و این بیست روز برای این است که بتوانند تلگرافاً یا کتباً بنقاط دور دست ابلاغ نمایند و مأمورین گمرک در سرحدات عمل کنند .

رئیس -- آقای داور . (اجازه)

داور -- بنده تصور میکنم این دو مسئله را بهمان شکلی که پیش بینی شده است و آقای وزیر پیشنهاد کردند خیلی خوب است. در اینکه قانون را باید فوری بموقع اجرا گذاشت این محل حرف نیست ولی مسئله بیست روز برای این است که معمولاً وقتی میخواهند کسی را برای یک عمل مجازات کنند باید به او خبر بدهند که او بداند اگر از این عمل تخلف کرد مجازات میشود ولی در اینکه این قانون بعد از

گذشتن از مجلس باید بموقع اجرا گذاشته شود هیچ حرفی نیست بنده تصور میکنم که این پیشنهاد هیچ ضرورت ندارد .

رئیس -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای ضیاء آقایان موافقین قیام فرمایند

(معدودی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. رأی گرفته میشود باصل ماده سوم آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس -- تصویب شد . تبصره پیشنهادی آقای آقاسیرزا یدالله خان .

(بشرح آتی خوانده شد)

تبصره ذیل را بنده پیشنهاد میکنم :

تبصره در صورتی که مأمورین دولتی تخلف و یا شرکت با متخلفین نمایند علاوه بر مجازات فوق مادام العمر از خدمت دولت مستعفی خواهند بود - سیرزا یدالله خان - بنده معتقدم همانطوریکه برای مملکت باسالت یک قانون مجازاتی وضع میشود نظر باینکه مأمورین دولت در هر کجائی که هستند قواعدها از مملکت بیشتر است اگر یک مجازات شدیدتری برای آنها وضع شود خیلی خوب است تا قانونی که وضع میشود کاسلاً اجرا نمایند و نگذارند یک تفریط هائی بشود. در این قانون اسمی از مأمورین دولت برده نشده و بسا میشود که مأمورین دولت بقدری لاقیدند که حد ندارد مثلاً اگر یک کسی مسکوک خارج کرد او باید جریمه بشود اما اگر مأمور دولت او را جریمه نکرد در اینجا مجازاتی برای آن مأمور معین نشده است بنابراین بنده این پیشنهاد را کردم حالا اگر صلاح میدانند پیشنهاد بنده را تصویب کنند.

رئیس -- آقای آقاسید یعقوب . (اجازه)

آقا سید یعقوب -- خوب بود فقط ایشان تذکر میدادند که دولت آن ماده که در قانون جزا راجع به تخلف مأمورین دولت است اجرا کند موضوع تخلف مأمورین دولت در قانون جزا مفصلاً نوشته شده و دیگر تصور نمیکنم در اینجا لزومی داشته باشد.

آقا سید یدالله خان -- در صورتی که در قانون مجازات باشد دیگر مورد ندارد و بنده استرداد میکنم.

رئیس -- شور در کلیات. آقای فرمند . (اجازه)

فرمند -- بنده با این لایحه اصولاً مخالفم و برای اینکه مخالفت خود را درست بعرض برسانم لازم میدانم مقدمه عرض کنم. در زمانهای گذشته از صد سال پیش طلا اهمیت زیادی در دنیا داشت یعنی علمای علم اقتصاد اینطور تصور میکردند که هر ملتی زیاد تر طلا داشته باشد رونق و سعادت اقتصادییش بیشتر است. اما حالا علماء اخیر این نظر را ندارند و یک نظریه دیگری اتخاذ کرده اند و آن این است که هر ملتی که دارای علماء شیمی و میکابیک و فیزیک بیشتر باشد و هر ملتی که کارکردش بیشتر باشد آن ملت از نظر اقتصاد رونق و سعادتش بیشتر است. طلا از آن درجه اهمیت که سابق داشت امروز کاسته شده و امروز در دنیا وسیله اعتبار اسکناس شده است . ما میدانیم که امروز

مطلب برای ملت ایران مسر نمی شود چرا ؟ برای اینکه در سه سال اخیر تجربه شده که یک صد هفتاد کرور پول از این مملکت رفته در صورتی که منع خروج طلا و نقره در سرحدات عملی بوده این است که بنده از این لایحه که دولت آورده هیچ اثری نمی بینم. اما طلا در این طلا در معامله تجارتمی که ما امروز داریم یک مقداری مصنوعات طلا و نقره از مملکت ما می رود. البته دولت هم در لایحه صلاحه کرده است ولی بنده اطلاع دارم که وقتی یک مثقال طلا به طور مصنوع بیرون می رود به قدر چهارمقابل قیمت خودش برمی گردد بنده خوشوقتیم که این را دولت صلاحه کرده اما اشکالاتی که در تجارت و عبور و مرور برای مردم از این لایحه تولید میشود این است که اسباب بالارفتن صرف در مملکت ما میشود یعنی وقتی که ما میخواهیم پول بفرستیم به اروپا یا بیابوریم مخصوصاً وقت فرستادن صرف بروات اروپا بواسطه منع خروج طلا و نقره بالا میرود و این یک ضروری وارد میکند به تجار ما که در آنجا پول ندارند و باید از اینجا پول بفرستند و این یک ضررفاخش است برای تجار و همچنین بطوریکه مذاکره شد زوار که میخواهند بروند عتبات یا بجاهای دیگر اغلب از مملکت که خارج میشوند اشخاص که میداند برات چیست برات بانک گرفته میروند ولی طبقه پائین رعیت و غیره که اصلاً نمی فهمند برات چیست وقتی میخواهند مسافرت کنند یک مقدار پولشان را در یک جا هائی در بدنه نشان پنهان میکنند و میروند بسرحد و در سرحد گمرکچی ها مطابق وظیفه شان که ما الان اینجا قانون وضع می کنیم بدن آنها را تجسس می کنند حتی زنهایشانرا هم با اینکه برای آنها خیلی ناگوار است و چون قانون نمی داند و قانون در دهات منتشر نمیشود و اگر هم منتشر شود آنها نمی فهمند بهمین حال میروند در سرحد و در آنجا اسباب زحمت آنها فراهم میشود و پول آنها را بگیرند آنوقت میروند آنها به اراق عرب و دیگر نمیتوانند برگردند بنده اطلاع دارم یک عده رفته اند بانجاها و بهمین واسطه که پول نداشته اند در آنجا مجبور شده اند عملگی بکنند و میمانند و این لایحه ماباعث میشود که عوض اینکه طلا صادر نشود هم طلا صادر میشود و هم یک عده ایرانی صادر خواهند شد.

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است .

رئیس -- رأی گرفته میشود باین قانون که مشتمل به سه ماده است آقایان که موافقت قیام فرمایند.

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد -- خبری است از شعبه اول راجع بنمایندگی آقای ثقة الاسلامی قرائت میشود .

(آقای افشار احضار و راپرتسزور را بشرح ذیل قرائت نمودند)

بتاریخ لیله ۲۸ - اسفند ۱۳۰۱ مطابق ماده ۱۴ قانون انتخابات ۳۶ فقره از طبقات سته و معتمدین محل بعمارت ایالتی دعوت و با حضور ۳۰ نفر از حضار بارای سخنی نه نفر اعضاء اصلی و نه نفر اعضاء علی البدل برای انجمن نظارت مرکزی شهر تبریز و تواج برای انتخاب نمایندگان دوره ششم انتخاب و سپس مطابق ماده ۱۶ قانون شروع به تشکیل انجمنهای فرعی و شعب در حومه های تابعه شده و پس از تعیین و تشکیل انجمنهای فرعی بموجب ماده ۲۱ قانون از طرف انجمن

دول اروپا از خروج طلا و نقره شان جلوگیری می کنند و باضافه جمع آوری کرده و حبس می کنند این از نقطه نظر اعتبار اسکناس شان است برای اینکه دول اروپائی بانکهای دارند که طلا را آنجا حبس می کنند و به اعتبار آن طلا به ملت کاغذ می دهند که کار آنها بسهولت انجام بگیرد. در مملکت ما امروزه طلا آن حیثیت را ندارد برای اینکه اساس پول ما نیست ولی در خصوص نقره بواسطه یک کنتراستی که بایک کمپانی انگلیسی که در بانک شاهنشاهی است بسته شده است که یک مقداری نقره در آنجا نگاه دارد و در مقابل اسکناس رواج بدهد. بنده عقیده ام این است که اگر بانک شاهنشاهی از دولت ایران تقاضا کند که بر طبق کنتراست و فرمان من از خروج آن جلوگیری کنید ما وظیفه مندیم برای حسن جریان و تقبلاستی که با بانک شاهنشاهی کرده ایم از خروج نقره جلوگیری کنیم. ولی طلا وقتی که شب عید می رویم در بازار می خواهیم اشرفی برای عیدی فراهم کنیم می گوئیم چند می فروشی می گوید هیچ در قران و مامی گوئیم هفده قران و در تیمش سباحه می شود پس طلا یک مال التجاره است یعنی بنده طلا را مال التجاره می دانم و مطابق قوانین اقتصاد جلوگیری از دخول و خروج یک مال التجاره هیچ مورد ندارد. نکته دیگری که می خواهم بعرض آقایان برسانم این است که علمای علم اقتصاد معتقد شده اند که قوانین علم اقتصاد یک قوانینی است که لاتغیر است و اغلب جلوگیری از آنها میسر نیست . مثلاً ما سه سال است که خروج طلا و نقره را منع کرده ایم در این سه سال صد و هفتاد کرور تومان پول از این مملکت بیرون رفته است. اگر ممنوع بوده است که جلوگیری می کرده اند چه طور این مبلغ خارج شده است؟ این است این شیء که سبک و بر قیمت است متعش اشکال دارد. یعنی عملی نیست . مثل اینکه در این مدتی که منع می شده است هیچ اثری نکرده و صد و هفتاد کرور کمتر یا بیشتر پول از این مملکت بیرون رفته است. حالا ممکن است بفرمایند به قاچاق خارج شده است. بلی می شود تصور کرد که دوسه کرور به قاچاق خارج شده باشد ولی صد و هفتاد کرور را نمی شود تصور کرد که از راه قاچاق بیرون برده باشند و این قانون منع خروج طلا و نقره یک چیزی است خیالی و وهمی که مادل خودمان را به آن خوش می کنیم ولی در عمل هیچ تأثیری ندارد چنانچه در گذشته هم هیچ اثر نداشته بواسطه اینکه ما با دول اروپائی تجارتی داریم یعنی یک چیزهائی از آنها می خریم و یک چیزهائی در عوض به آنها می دهیم و آن کسری که واردات ما نسبت به صادرات ما پیدا می کند سالی هفتاد کرور است و به این چیزها نمی شود جلوگیری کرد . اگر دولت بخواهد صادرات و واردات را موازنه بدهد باید مثل روسیه در سرحدات با هر دولتی که معامله می کند خرید و فروش را مساوی کند این یک حرفی است که ممکن است عملی بشود که بگویند ما در سرحدات اجباراً واردات و صادراتمان را موازنه می کنیم و یک لایحه هم دولت بیاورد به مجلس و بگذرانند بلی از این راه یک خدمت بزرگی به مملکت می شود کرد و آنوقت می شود این هفتاد کروری که هر سال بیرون می رود جلوش را بگیرند ولی با این قانون منع خروج طلا و نقره این

نظارت مرکزی اعلان انتخابات منتشر و در مدت ۲ روز از صبح ۱۳ اردی بهشت تا غروب ششم خرداد با حضور سه نفر نماینده کمیسیونها محلات مشغول دادن تعرفه و اخذ آراء شده و پس از انجام توزیع تعرفه و اخذ آراء بموجب ماده ۲ قانون در ۸ خرداد اوراق آراء مأخوذه از شهر تبریز شمرده شده و عده آن بالغ بر ۸۳۸۰۰ ورقه بوده ولی در حین قرائت آراء که هر حوزه در دفتر مذاکرات ثبت و نمره ترتیبی در پشت اوراق آنها قید میشود معلوم میشود عده آراء قرائت شده بالغ بر ۱۰۸۴۹۰ ورقه بوده بنابراین ۵۵ ورقه در کلیه از عده اوراق تعرفه کسر بوده است مطابق ماده ۳ قانون بعد از شماره اوراق آراء با رعایت مواد قانون از روز خرداد شروع بقرائت آراء گردیده و در ۲۱ تیرماه قرائت آراء خاتمه یافته و از مجموع آراء شهر تبریز ۶۱۴ ورقه از اوراق آراء سفید و باطله و لایق برده است که عیناً ضمیمه صورت مجلس است حائزین اکثریت شهر تبریز و توابع یازده گانه - الان - بر آغوش، آجان عباس، اروغی، انزاب، اسکوده، خوارقان، سرد صحر، عجب شیر، مهرانه رود، هشترود و قوریچای، روده قات بقراریست که در راپرتهای جداگانه تفصیل اسامی دارندگان اکثریت آراء بعرض خواهد رسید - انجمن مرکزی پس از خاتمه انتخابات شهر و توابع مطابق ماده ۴ قانون و بر طبق اعلان منتشره از صبح ۲۰ مرداد برای اخذ شکایات و در ظرف هفته دیگر برای رسیدگی بشکایات حاضر و بالنتیجه آقای میرزا ابوالحسن خان ثقة الاسلامی با اکثریت ۹۲۶ رأی برای نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب و شعبه اول دوسیه این حوزه انتخابیه را تحت دقت و مطالعه گرفته و شکایات واصله بانجمن نظارت مرکزی و مجلس شورای ملی و قضاوت شعبه بقراریست که ذیلاً بعرض میرساند .

(۱) اعتراض شده است که در تشکیل انجمن نظارت مرکزی رعایت از طبقات شش گانه نشده و آقایان شمس العلماء و آقا سید کاظم مجتهدزاده را از سره مالکین شمرده اند هیئت نظارت و شعبه این اعتراض را وارد ندیده چه که داشتن ملک مانع از احراز مقام شامخ روحانیت نیست ناچاره رسد که این دونفر از صنف علمای معروف شهر تبریز هستند .

(۲) اعتراض شده است بعضی از اعضاء شعب بی سواد بوده اند ولی از مجموع اعضاء شعب که معترضین بی سواد قلمداد کرده اند فقط هیئت نظارت در اطراف این اعتراض رسیدگی کامل نموده و معلوم کرده است در شعبه فرعیه قوریچای حاجی حمدالله و در شعبه فرعیه سرد صحر اشهدی رسول اسفهلانی و مشهدی قائم خلجانی بی سواد بوده اند .

شعبه بالتغات باینکه وجود یک نفر بی سواد در یک شعبه و دونفر در شعبه دیگر که هر یک مرکب از نفر بوده اند ممکن است از روح کمال و تشریفات قانون بکاهد ولی مؤثر در موضوع نشود و باسراجعه بفصل چهارم (در تشکیل انجمن نظارت) و ماده ۴ قانون انتخابات این اعتراض را وارد ندید .

(۳) اعتراض شده است که انجمن مرکزی و فرعی و شعب ماده ۴ قانون را رعایت نکرده اند هیئت نظارت در جواب این اعتراض متذکر است که مدتی را که می گویند فاصله شده است در

ظرف این مدت مشغول مطالعه و مذاکره در اطراف تعیین اشخاص بوده اند شعبه نیز با تصدیق رأی هیئت نظارت اعتراض را وارد ندیده علی الخصوص که تمدید مدت بیشتر بفتح طرفین و به تجهیز افکار عمومی تمام میشده است .

(۴) اعتراض شده که در موقع قرائت آراء شعب فرعیه عموم افراد شعب حاضر نبوده اند هیئت نظارت متذکر است بواسطه بعد مسافت و موقع کار زراعت و قلت مخارج انتخابات حضور تمام اعضاء شعب غیر بدور بوده است و چون اکثریت اعضاء شعب همیشه در قرائت آراء صندوق شعب مربوطه حاضر بوده اند لهذا شعبه این اعتراض را نیز غیر وارد دانست .

(۵) اعتراض شده است که در حومه ده خوارقان تطمیع شده است هیئت نظارت در جواب این اعتراض متذکر است که آقای سیدالمحتسین رئیس انجمن فرعی آنجا صحت جریان انتخابات را تصدیق کرده با وجود تصدیق صحت جریان تردید در تصدیق آنهم از طرف یک نفر بی مورد است .

(۶) اعتراض به تفکیک آراء قوری جای شده است . هیئت نظارت در جواب این اعتراض متذکر است که تفکیک آراء قوری جای و نوشتن آن در ستون علیحده سببی بر ابطال آراء آن حومه نبوده بلکه نظر بر دیدی که موجب یکفتره صورت مجلس سببی بر اظهار تهدید که از یک نفر از رعایای قارقاب عمل آمده بوده است و مصاحبت در آن دید که آراء آنجا را تفکیک در صورت مجلس قید و مراتب نیز در تحت نمره ۲۲ بوزارت داخله راپرت شده است .

(۷) اعتراض شده است راجع باشخاص هیئت نظارت چون اعتراضات را سببی بر مدارك ندیده است لهذا ترتیب اثری به آن نداده شعبه نیز با سراجعه به روح اعتراض چون مدرکی غیر از عدم موفقیت متعرضین در دوسیه ندیده بناءً علیه قضاوت نظارت را تصدیق نمود .

(۸) اعتراض راجع به دادن آراء محمدولی میرزای مطلق به محمدولی میرزای فیروز شده انجمن نظارت در جواب این اعتراض متمسک به صورت مجلس مورخه ۱۷ مرداد شده و انکالا بمعرفیت محلی شاهزاده محمدولی میرزا و عدم وجود مدعی خصوصی غیر از محمدولی میرزای منصور عضو مالیه که سناً نابالغ و قانوناً محروم از انتخاب و از نقطه نظر معرفیت محلی غیر معروف بود این اعتراض را وارد ندیده شعبه نیز با اکثریت آراء نظریه انجمن نظارت را مورد تصدیق و این اعتراض را غیر وارد تلقی می نمود .

(۹) اعتراض شده است آقای میرزا یوسف خان عدل (قائم مقام) دو دفعه تعرفه گرفته است انجمن نظارت در جواب این اعتراض متذکر است با سراجعه به دفتر ثبت اسامی معلوم گردید دو ورقه تعرفه به شرح ذیل ۱۳ - اردی بهشت تحت نمره به اسم قائم مقام شغل مالک سن ۵۳ و ورقه دیگر مورخه ۱۴ اردی بهشت تحت نمره ۳۶۴ به اسم میرزا یوسف خان عدل قائم مقام سن ۵۵ شغل مالک صادر ولی چون قائم مقام شخص غیر معروفی نبوده که در ظرف دو روز بلافاصله آمده تعزیه بگیرد و در شهر تبریز هم شعب فرعیه وجود نداشته است و بعلاوه چون در موقع شمردن اوراق آراء

معلوم شده ۵۵ ورقه رأی کسر بوده است بناءً علیهذا معلوم می شود منشی انجمن اشتباه در تکرار اسم کرده است .

شعبه بانهایت دقت در این باب واستشهادی که از طرف آقای عدل از حقیقت این قضیه از اعضاء انجمن کرده و با وجود تصدیقی که اکثریت اعضاء انجمن نظارت از عدم اطلاق این نسبت به ایشان داده اند و در دوسیه ضبط است این اعتراض را غیر وارد و ناشی از اشتباه منشی تلقی و چون در دفتر ثبت اسامی به اسم شاهزاده ضیاء الدوله که نایب سرهنگ و ایل یکی ایل شاهسون و خود در موقع انتخابات در محل مأموریت بوده است به عنوان اخذ تعرفه عنوانی دیده شده علیهذا در اشتباه منشی انجمن جای تردید باقی ندید مخصوصاً در قبال تلگرافات و عریضه جات متعدد که مخالف اعتراضات بی اسضای اشخاص معلوم به اسضای تمام صنوف مختلفه تبریز اعم از علماء و اعیان و اصناف و تجار و اهالی محلات تبریز و معروفین حوسه جات و کلیه به تصدیق نظمی و حکومتیهای محلی رسیده و دلالت بر صحت جریان انتخاب ایشان دارد و در دوسیه مضبوط است این اعتراض را وارد ندیده و با سراجعه به دوسیه که اجمال آن فوقاً به عرض رسید صحبت جریان این حوزه انتخابیه را تصویب و نمایندگی آقای سیرزا ابو محمد خان ثقة الاسلامی را تصدیق و راپرت آنرا تقدیم می دارد - رضای افشار .

رئیس - آقای شیروانی . (اجازه) شیروانی - مقصود این است که رأی چه قسم گرفته می شود به سفاد خبر یا به نمایندگی آقای ثقة الاسلام .

رئیس - مطابق معمول به سفاد خبر که نمایندگی ایشان هم جزء آن است آقای آفاسیدیعقوب (اجازه) .

آفاسیدیعقوب - بنده عرض می کنم این راپرت یک چیز غریبی است راجع به شخص آقای ثقة الاسلام همه معتقدیم ولی راجع به این راپرت سخالفیم چون بی خواهند همه را با این راپرت تصحیح کنند .

افشار مخبر شعبه - این خبر راجع به شخص ایشان است . رئیس - ممکن است بر طبق سابقه و نظاسنامه بگویند سخالفم تجزیه نمی شود .

آفاسیدیعقوب - مخالفم خجالت نمی کشم . رئیس - می ماند برای بعد اگر آقایان اجازه فرمایند جلسه ختم می شود . جلسه آتیه روز سه شنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور هم دستور امروز .

(مجلس یک ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین منشی - عبدالامیر منشی - امیر تیمور